

وجدان کاری؛ یک هنجار فرهنگی

دکتر ناصر فکوهی^۱

مهدی حیدری^۲

چکیده

وجدان کاری، یک هنجار فرهنگی است که به انجام کار مناسب در جامعه، ارزش معنوی مثبت می‌دهد. انگیزه‌های درون آدمی، نقطه آغاز وجدان کاری محسوب می‌شوند اما چگونگی تقویت و نگهداشت این انگیزه‌ها، محرک اصلی مفهوم وجدان کاری است. وجدان کاری با چهار مؤلفه ارتباط عمیق دارد. این چهار مؤلفه؛ دلبستگی و علاقه به کار، پشتکار و جدیت، روابط سالم و انسانی در محل کار و روح جمعی و مشارکت هستند. در این مقاله، نمونه‌هایی از ادبیات شفاهی آورده شده که موجب تقویت و بازتولید این چهار مؤلفه در طول زمان شده‌اند.

۱. دکترای انسان‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران www.anthropology.ir

۲. دانشجوی دکترای انسان‌شناسی از هندوستان heidari-1985@yahoo.com

مفهوم کار بدون وجدان کاری کامل نیست؛ در صورتی که افراد جامعه کارها را بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های وجدان کاری انجام دهند، در طول زمان از اهداف مورد نظر بازمی‌مانند. بنابراین لازم است در کنار مفهوم کار، وجدان کاری نیز تعریف شود تا با اتصال به آن بتوان جامعه را به سرمنزل مقصود رساند.

استفاده از این نمونه‌ها در برنامه‌های مختلف رسانه‌ی ملی می‌تواند خلأهای کنونی این هنجار فرهنگی را پر کند. ساخت انیمیشن و استفاده از مثل‌ها در متن‌های مختلف، از جمله راه‌های بهره‌گیری از این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: کار، وجدان کاری، علاقه به کار، پشتکار، مشارکت



مقدمه

آنچه در حقیقت کار پنداشته می‌شود، به شرایط خاص اجتماعی که کار در آن انجام می‌پذیرد و مهم‌تر از آن، به چگونگی تفسیر این شرایط و فعالیت‌ها، آن هم از سوی افرادی که درگیر آن هستند، بستگی دارد. اینکه آیا هرگونه فعالیت را می‌توان کار به شمار آورد، در حقیقت، به شرایط زمانی، مکانی و فرهنگی موجود مربوط می‌شود. تعریف و تفسیر مفهوم کار، همیشه متفاوت، چندجانبه، غیردقیق و همراه با برخی سوءتفاهم‌ها بوده است. شاید غیردقیق بودن این مفهوم، از ذات فرهنگی آن ناشی می‌شود. به این معنا که چون کار، مفهومی صددرصد اجتماعی - فرهنگی است، به ناچار مفهومی غیرمطلق و غیردقیق است که تنها برگردان عملی دسته‌ای از مردم به آن معنا می‌بخشد. کار تا اندازه‌ای نشان می‌دهد که ما باید به تعریف‌های زمان گذشته و حال، به مثابه نماد فرهنگ و بخصوص آیین قدرت توجه کنیم. بر این اساس، وجدان کاری نیز به طور معمول، مفهومی نظری و فردی در نظر گرفته می‌شود:

«وجدان کاری یک هنجار فرهنگی است که به انجام کار مناسب و خوب در جامعه ارزش معنوی مثبت می‌دهد و بر این باور است که کار فی‌نفسه دارای یک ارزش ذاتی است.» (طالبیان، ۱۳۸۲: ۱۲۵)

این گونه تعاریف با آنکه جنبه‌هایی از وجدان کاری را در خود دارند، به تقلیلی روان‌شناختی می‌رسند و نمی‌توانند نمودهای وجدان کاری را در بیرون از افراد هدف بگیرند و در اجتماع نشان دهند. با توجه به اسناد موجود در واحد فرهنگ مردم و همچنین پژوهش انسان‌شناختی حاضر، بررسی چگونگی ایجاد و تقویت وجدان کاری در درون جمع، از اهمیت

بیشتری برخوردار است. دورکیم، یکی از پیشگامان تعریف کار و وجدان کاری به عنوان مؤلفه‌ای اجتماعی است. او در کتاب «درباره تقسیم کار اجتماعی»، کار و به تبع آن، وجدان کاری را به عنوان پدیده‌ای که به طور کامل از شرایط اجتماعی مؤثر و متأثر است معرفی می‌کند و چگونگی این تأثیر را نشان می‌دهد.

در مقاله حاضر، مؤلفه‌های وجدان کاری، شامل: دلبستگی و علاقه به کار؛ پشتکار و جدیت در کار؛ روابط سالم و انسانی در محل کار و روح جمعی و مشارکت در کار، مورد بررسی قرار می‌گیرند. ساخت و نمایش برنامه‌هایی که این مؤلفه‌ها را نمایش می‌دهند به بازتولید و اشاعه وجدان کاری در جامعه منجر می‌شود و تقویت این مؤلفه‌ها در آموزه‌های فرهنگ مردم، جامعه را به اهداف متعالی نزدیک‌تر می‌سازد.

مؤلفه‌های وجدان کاری

شاید آغاز وجدان کاری را بتوان مرتبط با انگیزه‌هایی دانست که از درون آدمی شکل می‌گیرند. اما با این همه، چگونگی تقویت و نگهداشت این انگیزه‌ها، به عنوان محرک اصلی، مفهوم وجدان کاری را نشان می‌دهد. از همین رو، به نظر می‌رسد مفهومی از وجدان کاری که «پتی» آن را عرضه کرده است، با این پژوهش مردم‌شناختی، هماهنگی و تناسب بیشتری دارد.

پتی برای وجدان کاری ابعاد چهارگانه زیر را ارائه می‌دهد:

۱. دلبستگی و علاقه به کار
۲. پشتکار و جدیت در کار
۳. روابط سالم و انسانی در محل کار
۴. روح جمعی و مشارکت در کار (همان: ۱۲۰)

بنابراین تعریف، بویژه موارد ۳ و ۴، چگونگی ایجاد انگیزه برای کار (وجدان کاری)، در

خلال جمع مورد توجه است. البته جنبه‌های دیگر این شاخص‌بندی نیز در تعامل میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود.

انگیزه‌ها و وجدان مورد نظر در کار ایرانیان، از خلال مناسک و مراسم آنان برای انجام کارهای جمعی شکل می‌گرفته و تقویت می‌شده است. این مناسک و همیاری‌ها در تمام ساختارهای زندگی وجود داشته و نمی‌توان آنها را تنها برای انجام یک کار در نظر گرفت. در واقع پیچیدگی و تداخل این مناسک و همیاری‌ها در تمام سطوح زندگی، باعث تولید و بازتولید وجدان کاری لازم برای انجام کار می‌شده است. تمام انواع افسانه‌های کار، اشعار کار، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها، همیاری‌های گوناگون و سایر حوزه‌های فرهنگ مردم، از عوامل ایجاد و تقویت انگیزه لازم برای انجام کار بوده‌اند.

دلبستگی و علاقه به کار

لازمه آغاز هر کار، دلبستگی و عشق و علاقه به آن کار است. شاید ویژگی‌های فردی و خصوصیات اخلاقی هر شخص، موجب پدید آمدن نوعی دلبستگی به کار و شغلی خاص باشد اما با این همه، چگونگی نگرش اجتماع به انواع کارها و مشاغل موجود در جامعه، متأثر از ارزش‌گذاری‌های افراد آن است.

برخی نمونه‌ها در ادبیات شفاهی یافت می‌شوند که با مذموم شمردن بی‌کاری و کم‌کاری، فرد را وادار به جدیت بیشتر در کار می‌کنند. در واقع این نوع ادبیات که بیانگر دیدگاه اجتماع نسبت به فرد بی‌کار است، همزمان، هم فرد را از بی‌کاری یا کم‌کاری بازمی‌دارد و هم با ایجاد نوعی علاقه، او را به کار دعوت می‌کند. یعنی به صورت دوگانه (با تنبیه/ تشویق) فرد را به کار وامی‌دارد. برای نمونه، ضرب‌المثل‌های زیر، شاهد این تأثیرگذاری اجتماع هستند:

«اسب دونده، کاه و جو خود را زیاد می‌کند.»

کسی که زیاد کار می‌کند، برای خودش تلاش می‌کند و بهره آن نیز نصیب خودش می‌شود.

«کار، جوهر مرد است» یا «کار، جوهر مرد را زیاد می‌کند.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۳۹۶)
در حقیقت، هدف اصلی این گونه ضرب‌المثل‌ها، ارزش نهادن به کار و مذمت بیکاری است. در گذشته، چنین نگاه‌هایی باعث می‌شد افراد از تن‌سپردن به کارهای طاقت‌فرسا دوری نکنند و برای امرار معاش با جدیت تلاش کنند.



در ترانه‌ها نیز چنین ارزش‌گذاری‌هایی دیده می‌شود. توصیف کار یا ابزار کار، نمادی است که علاقه افراد را به سعی و تلاش نشان می‌دهد. هر چند در ترانه زیر، بیش از هر چیز به توصیف حیوانات و انواع دام پرداخته شده، مفهوم اصلی، اهمیت دام برای دامدار و به نوعی، دلبستگی دامدار به دام است:

âq qoyun âyâ banzar

آغ قویون آیا بنزر

میش سفید به ماه می‌ماند

yeriyar yâyâ banzar

یثرییر، یایا بنزر

فنروار گردش می‌کند

hârdâ qoyunsuz yer vâr	هاردآ قویونسوز یئر وار سرزمین‌های بدون میش
qurumuş çâyâ banzar	قوروموش چایا بنزر به رودخانه‌های خشکیده می‌مانند.

qoyun bâxâr dâqlârâ	قویون باخار داغلارا میش کوه‌ها را می‌نگرد
sel tak âxâr dâqlârâ	سئل تک آخار داغلارا و همچون سیل از کوه‌ها سرازیر می‌شود
ârândân donan suru	آراندان دونن سورو گله‌ای که از دشت و جلگه برگشته است
yâyâdâ çixâr dâqlârâ	یایدا چیخار داغلارا تابستان‌ها به کوه می‌رود. (قره‌داغی، بستان آباد، ۱۳۴۵)

ادبیات شفاهی موجود در جامعه، به مثابه یک روح جمعی عمل می‌کند. نمونه‌های مورد اشاره در ادبیات شفاهی، نمود و مصداق دلبستگی و علاقه به کار هستند و افراد جامعه در برابر چنین ارزش‌گذاری‌هایی، به کار اهمیت می‌دهند و به آن اهتمام می‌ورزند.

وقتی روح جمعی و اراده کلی بر چنین قضاوت‌هایی استوار است، افراد در حین رشد، به ارزش‌هایی که هر لحظه برایشان درونی می‌شود، احترام می‌گذارند و بیش از پیش به آنها دلبسته می‌شوند. در این مفاهیم، نوعی جامعه‌پذیری وجود دارد که نسل به نسل، در افراد نهادینه و تثبیت می‌شود. مؤلفه دلبستگی و علاقه به کار که از مؤلفه‌های مهم وجدان کاری است، در گذشته در انواع ادبیات شفاهی مربوط به کار دیده می‌شد. شاید یکی از مظاهر بروز آن را بتوان در «کارآواها» مشاهده کرد. موسیقی و ترانه‌های کار شامل اشعاری است که افراد

هنگام کار می‌خواندند. این ترانه‌ها، در کارهای گروهی، برای رفع خستگی و ایجاد هماهنگی بین اعضای گروه خوانده می‌شد. در زیر به چند نمونه از این کارآواها اشاره می‌شود:

oxu xânâm	اخو خانام
qonçâ gullar	دار قالی من بخوان قونچا گوللر
toxu xânâm	گل‌های غنچه را تنخو خانام
âq gullarin	بیاف دار قالی من آغ گوللرین
âq baxt olsun	گل‌های سپیدت آغ بخت السون
qizil gulun	سپید بخت باشند قیزیل گولون
xoşbaxt olsun	گل سرخت خوشبخت السون
gozal boyân	خوشبخت باشد گزل بویان
âq gun gorsun	رنگ‌های زیباییت آغ گون گرسون
yuz yuz illar	خوش باشند یوز یوز ایللر
	صدها سال



omur sursun

عمور سورسون

عمر داشته باشند

ilma larim

ایلمه لریم

گره‌هایم

âyâqdâdir

آیاقدادیر

رو به پایان است. (سفیدگر، ۱۳۸۸: ۲۳۸)



پشتکار و جدیت در کار

در فرهنگ مردم ایران، به شیوه‌های گوناگون، افراد را به کار بیشتر تشویق و کم‌کاری را تقبیح می‌کنند تا همگی، هر چه بیشتر دل به کار دهند. در بررسی ادبیات شفاهی، تمام شاخص‌بندی‌های پتی دیده می‌شود. برای نمونه، ضرب‌المثل‌ها و تمثیلات زیر، بیانگر پشتکار

و جدّیت در کار هستند و حجم زیادی از آنها به انجام کار در وقت معین یا فصل معین که البته در قالب «روز» بیان می‌شود، تأکید دارند:

«از امروز کاری به فردا ممان.»

یعنی کار امروز را برای فردا نگذار. (کریمی، علویجه، ۱۳۵۷)

«کاری که بماند، رویش برف می‌بارد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۴۰۵)

«کار امروز را به فردا افکندن از کاهلی تن است.» (همان: ۱۳۹۴)

چنین ضرب‌المثل‌هایی بر انجام جدّی کار در وقت مقرر تأکید دارند و آفت تنبلی یا سهل‌انگاری در انجام کار را تقبیح می‌کنند.

«کار و تلاش زیاد، روزی را زیاد می‌کند.» (مساعی، کرویّه، ۱۳۵۰)

«کار را باید صبح زود انجام داد.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۳۹۸)

«کار به گپ نمی‌شود.» (همان: ۱۳۹۵)

«کاری به سخن نمی‌شود راست» (همان: ۱۴۰۴)

نمونه‌های دیگری از ضرب‌المثل‌ها نیز هستند که جدّیت در کار را همه چیز می‌دانند:

«کار نشد ندارد» (همان: ۱۴۰۲) این ضرب‌المثل کوتاه، تکلیف هر کاری را با جدّیت در کار

یکسره کرده است.

گاهی نیز از زبان تمثیل برای تشویق به کار کردن استفاده می‌کردند. برای مثال، در شعر زیر

به صورت غیرمستقیم و با تمثیل، افراد را به پشتکار و جدّیت در کار تشویق می‌کنند:

išlak mâli oyârlâr

ایشلک مالی اویارلار

گاو پرکار را تحسین می‌کنند

tanbalini soyarlar

تنبلینی سؤیرلر

و تنبلش را ناسزا می‌گویند

okuz juta getmasa

اؤکوز جوتنه گئتمهسه

گاو نر اگر به شخم نرود

qâşqâsinâ doyarlar

قاشقاسینا دؤیرلر

بر پیشانی‌اش می‌کوبند. (باقری، زنجان، ۱۳۵۵)

در مجموع، تمامی مصداق‌های بالا، نشان‌دهنده اهمیت کار و ارزش‌گذاری اجتماع بر چگونگی انجام آن هستند. این مثال‌ها که اغلب آنها در قالب قیاسی قرار دارند، بیش از هر چیز بر خودداری از کم‌کاری و پرهیز از جدی نگرفتن کار تأکید می‌کنند.

روابط سالم و انسانی در محل کار



روابط سالم در محل کار، از امور مختلفی ناشی می‌شود که بی‌تردید یکی از آنها، شناخت جایگاه فرد در محیط کاری خویش است. برخی حکایات و ضرب‌المثل‌ها همین مفهوم را مد نظر دارند و بر تعهد به کار تأکید می‌کنند. این مؤلفه البته در فضای سنتی کار، به مراتب بیش از فضای صنعتی یافت می‌شود. در مشاغل سنتی، افراد به نوعی کار را از آن خود می‌دیدند و تلاش مضاعف در این زمینه را بیهوده نمی‌دانستند. دلیل آن نیز واضح است، آنان هر چه بیشتر کار می‌کردند، نصیب

بیشتری می‌بردند. دلیل دیگر نیز عبادت دانستن کار از منظر اسلام است که به کار در نزد ایرانیان ارزش مضاعفی بخشیده است.

«کار را به دست کاردان بده» (کریمی، قصبوان، ۱۳۵۶)

«کار را بده دست کارفرما» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۳۹۵)

«کار بزرگان نبود کار خُرد» (همان)

این ضرب‌المثل‌ها به خوبی نشان می‌دهند که وجود روابط سالم و انسانی در محیط کاری ایران در دوران پیش از صنعتی شدن، هیچ‌گاه به این معنی نیست که تمامی افراد، وضعیتی مشابه داشتند، بلکه افراد کاردان و بزرگ در همه جا از احترامی خاص و ویژه برخوردار بودند.

«آدمی که زاری زاری بگی اون کار پیشرفت ندیه»

کسی که زاری و ناله و عجز بکند، کارش پیشرفت نمی‌کند. (سیفی، لنگرود، ۱۳۵۵)

در یاسوج برای افراد تنبلی که در کارشان سریع نبودند و موقع برنجکاری از همه عقب می‌افتادند، این شعر را می‌خواندند:

hây kela kela tanbal vâmund های کله کله تنبل واموند

aqabe bačiyal vâmund عقب بچیل واموند

داد بکشید تنبل وامانده است، پشت سر بچه‌ها عقب افتاده است.

hây kela donbe qorus های کله دنب غروس

nakeni vaš begerus نکنی وش بگروس

داد بکشید او مانند دم خروس است، مانند او نشوید از او گریزان شوید.

daste bâlâ ko vašun دسته بالا کو وشون

marize morqal zayešun مریض مرغل زیشون

دستان خود را به نشانه پیروزی در برابر آنها بالا ببرید، آنها به مریضی مرغ‌ها دچار شده‌اند

و بی‌حال هستند. (بی‌نام، یاسوج، بی‌تا)

همان‌گونه که در مثال بالا مشهود است، افرادی که کار را به درستی انجام نمی‌دادند،

مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفتند.

شعر زیر، یکی شدن و همدلی را که ناشی از روابط سالم و مستحکم کاری است، به خوبی

نشان می‌دهد:

torpâqâ âtdim tumu broy

تورپاغا آتدیم تومو بروی

بذر را روی خاک پاشیدم بروی

broy, broy, broy

بروی، بروی، بروی

بروی، بروی، بروی

goyar samanım broy

گویر سمنیم بروی

سبز شو سمنوی من بروی

doyak samani broy

دویک سمنی بروی

تا سمنو بکوبیم بروی

broy, broy, broy

بروی، بروی، بروی

بروی، بروی، بروی (صادقی، مرند، ۱۳۵۱)



اساس کار در جامعه ماقبل صنعتی ایران، بر همین روابط سالم و انسانی قرار دارد. از یک سو، افراد به لحاظ مادی، اختلاف چندانی ندارند و از سوی دیگر، مبنای کار بر مشارکت و تعاون گذاشته شده و افراد جایگاه خود را چه در کار و چه در محیط جامعه به خوبی می‌شناسند و به آن قانع هستند.

روح جمعی و مشارکت در کار

آنچه بیش از هر چیز، در کار سستی ایرانیان نمود دارد، کار جمعی یا همکاری و همیاری در کار است؛ مؤلفه‌ای که امروزه کمتر در میان ایرانیان یافت می‌شود. دلایل متعددی را می‌توان در مورد چرایی این امر در گذشته بیان کرد اما در اینجا تنها به نام بردن از برخی موارد اکتفا می‌شود:

۱. کار در گذشته، به خودی خود، نیاز به نوعی تعاون و همکاری داشت. کارهایی همچون کشاورزی و آبیاری به همراه ملزوماتشان امکان انجام فردی نداشتند و مستلزم همکاری همه افراد یک جامعه بودند.

۲. نقش و موقعیت هر فرد در اجتماع گذشته به‌خوبی مشخص بود و در نتیجه، افراد نقش‌های خود را به‌خوبی پذیرفته بودند و از ایفای آن ابایی نداشتند.

۳. سنت‌های بسیار دقیقی در جامعه گذشته وجود داشت که چرایی و چگونگی فرایند یک کار را به‌خوبی تبیین و درونی می‌کرد، از این رو، افراد از همان ابتدای زندگی با این سنت‌ها رشد می‌کردند و این سنت‌ها در واقع، جایگاه حقوق و قوانین کنونی را داشتند.

۴. پیوستگی محیط زندگی و محیط کار باعث می‌شد افراد به نوعی با کار خود بزرگ شوند و در نتیجه، مهارت لازم برای انجام کار را در سن مقتضی کسب کنند.

۵. کارهای رایج در جامعه، با فرهنگ کلی اجتماع هماهنگی و تناسب داشت و همین امر باعث می‌شد تمام جنبه‌های یک فرهنگ، اعم از ادبیات شفاهی، دین و دیگر خصایص فرهنگی، کار پذیرفته‌شده در جامعه را تقویت و آنچه را خارج از عرف فرهنگی قرار داشت، تقبیح کنند.

۶. کارها در گذشته با نوعی نشاط، همدلی و همزبانی (برای مثال، با انواع ترانه‌خوانی) انجام می‌گرفت.

در زیر نمونه‌هایی از پشتیبانی ادبیات شفاهی از روحیه جمعی و مشارکت در کار ارائه شده است:

«یک دست صدا ندارد.»

یعنی کار به تنهایی و انفرادی پیش نمی‌رود. (قاسمی، اصفهان، ۱۳۵۶)

«کار از همکار پیش می‌رود.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۳۹۴)

«کار افتاده را یاری ز یار است.» (همان: ۱۳۹۴)

ترانه زیر، همیاری و مشارکت را در تمام مدت لایروبی و بستن بند نشان می‌دهد. هرگاه جمعیت احساس خستگی و درماندگی می‌کرد، یکی از بیل‌دارها، که صدای تقریباً خوبی داشت چنین می‌خواند:

اگر ناتوانی بگو یا علی

جمعیت نیز فریاد می‌زد: یا علی

اگر خسته جانی بگو یا علی

چو بینی تنت را به دام بلا

مترس از بلا و بگو یا علی

(طباطبایی، نایین، ۱۳۴۵)

در لایروبی قنات نیز این مشارکت دیده می‌شود:

برای مثال، در اردستان، مردم اواخر تابستان در مسجد روستا جمع می‌شدند و درباره لایروبی قنات با یکدیگر صحبت می‌کردند. در این مراسم، سهم هر خانوار در تأمین آذوقه کارگران و تعداد افرادی که در هر خانواده باید برای لایروبی آماده می‌شدند، مشخص می‌شد.

(رضوی، اردستان، ۱۳۵۵)

برخی ترانه‌ها اهمیت و دشواری کار کردن را به نمایش گذاشته‌اند:

târlâdâ tar tokaram

تارلادا تر توکرم

در مزرعه عرق می‌ریزم

har yâz sani akaram

هر یاز سنی اکرم

هر بهار تو را می‌کارم

har nâzini čakaram	هر نازینی چکرم هر نازت را می‌کشم
sâri sunbulum sâri	ساری سونبولوم ساری سنبل طلایی من
ili gunu bazarsan	ایلی گونو بزرسن سال و ماه را زینت می‌دهی
gozlar usta gazarsan	گۆزله اوسته گزرسن روی چشم همه جا داری
har gozaldan gozalsan	هر گۆزله دن گۆزلسن از هر زیبایی زیباتری
sâri sunbulum sâri	ساری سونبولوم ساری سنبل طلایی من (بخشی پور، اردبیل، ۱۳۴۲)

ترانه بالا، رابطه عاطفی و احساسی میان بذر، محصول و کشاورز را به خوبی بیان می‌کند؛ رابطه‌ای که شاید تنها بتواند در قالب همین ترانه‌ها بازنمود پیدا کند. این چنین است که از اشعار، تمثیلات و ضرب‌المثل‌های سنگین در مورد کار به ترانه‌هایی شاعرانه می‌رسیم. به این ترتیب، وجدان کاری از خلال همین مراسم و ادبیات شفاهی تولید و بازتولید می‌شود و به دلیل همیاری‌های فراوان در حین کار قوت می‌گیرد؛ مؤلفه‌هایی که امروزه در حوزه کاری به شدت مورد نیاز هستند و باید به شکل‌ها و در قالب‌های مختلف بازتولید شوند.

جمع‌بندی

در مورد جنبه‌های مختلف کار در ایران باید تأکید کرد که در جامعه پیشاصنعتی، کار، دارای سرشتی جمعی بود و حتی به صورت مفهومی انتزاعی، جنبه‌ای از جمع را در خود نهفته داشت. این امر به موقعیت انسان به عنوان موجودی به لحاظ ذاتی، اجتماعی بازمی‌گردد. اما

مسئله جالب توجه، تشدید و تقویت این ویژگی از طریق ادبیات شفاهی است. این همان مؤلفه روح جمعی و مشارکت در کار است که در دسته‌بندی وجدان کاری مدنظر قرار گرفته است. وجدان کاری در فرهنگ شفاهی ایرانی با سیاست دوگانه تشویق/ تنبیه در قالب انواع ادب شفاهی همچون ضرب‌المثل، تمثیل، حکایت، شعر و سایر قالب‌ها به فرهنگ‌سازی در این زمینه پرداخته است.

در حقیقت ادب شفاهی همچون ابزاری کارآمد، مؤلفه‌های وجدان کاری را دارای ارزش می‌ساخته است و افراد در جریان اجتماعی شدن از طریق نهادهای جامعه، به‌صورت هوشیارانه با این مؤلفه‌ها خو می‌گرفتند و آنها را در زندگی به کار می‌بردند.

از سوی دیگر، جامعه با تقبیح زیرپا گذاشتن وجدان کاری در قالب ادب شفاهی، قضاوت ارزشی سختی در این خصوص اعمال می‌کرده است تا افراد به این ورطه سقوط نکنند و اگر به چنین آفتی مبتلا شدند، بتوانند با تکیه بر ارزش‌های مربوط به کار و وجدان کاری، خود را احیا کنند و به جامعه بازگردند.

در نهایت، همان‌گونه که اشاره شد، کارهای بسیاری در دوران پیشاصنعتی انجام می‌گرفت که در اسناد به آنها توجهی نشده است. فارغ از اینکه اسناد موجود، سرشتی روستایی دارند و کمتر فرهنگ شهری را بازنموده‌اند، ریشه این مسئله را باید در منشأ کارها جستجو کرد.

منابع

الف) کتاب

۱. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸) فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، تهران: معین.
۲. سفیدگرشهانقی، حمید (۱۳۸۸) ترانه‌های کار در آذربایجان، تهران: طرح آینده.

ب) پایان‌نامه

۱. طالبیان، امیر (۱۳۸۲) «سنجش سطح وجدان کاری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

فرهنگیاران

- باقری، محمود، ابهر، زنجان، ۵۵/۱۲/۴
- بخشی‌پور، حسن، سرعین، اردبیل، ۴۲/۴/۶
- بی‌نام، یاسوج، کهگیلویه و بویراحمد، بی تا
- رضوی، ابوالقاسم، اردستان، اصفهان، ۵۵/۱۲/۱۴
- سیفی، مهناز، لنگرود، گیلان، ۵۵/۷/۹
- صادقی، یدالله، مرند، تبریز، آذربایجان شرقی، ۵۱/۲/۱۷
- طباطبایی، احمد، نایین، اصفهان، ۴۵/۶/۸
- قاسمی، مرتضی، اصفهان، ۵۶/۹/۲۳
- قره‌داغی، رضا، بستان‌آباد، تبریز، آذربایجان شرقی، ۴۵/۶/۷
- کریمی، محمدحسین، قصبوان، شهرضا، اصفهان، ۵۶/۷/۱
- مساعی، ناصر، کروییه، شهرضا، اصفهان، ۵۰/۶/۱۸